



روش‌های علم‌الحدیثی

امام موسی بن جعفر (علیه السلام)

• مریم منوچهری یگانه *

چکیده: به پیشنهاد استاد درس راویان ضعیف^۱ بر آن شدم تا قواعد علم‌الحدیثی را از دیدگاه امام موسی کاظم (علیه السلام) یافته و آن‌ها را تا حد امکان، دسته‌بندی نمایم تا این قواعد در کنار سایر قواعد معتبر و معتمد، وسیله‌ی سنجش در این زمینه باشد.

لازم به ذکر است که این کار، قبلاً توسط استاد روحانی در مورد قرآن، احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امام حسین

* دانشجوی دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌ی علوم حدیث (ورودی ۸۰).

۱- آقای محمد روحانی علی‌آبادی، استاد مدعو دانشکده‌ی علوم حدیث.

(علیه السلام)، امام محمد باقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیهم السلام) انجام شده بود؛ لذا با راهتمایی هایی که صورت گرفت، در صدد یافتن احادیث و روایات امام کاظم (علیه السلام) در زمینه‌ی مذکور برآمدم و پس از این کار، قواعد و گزاره‌های علم‌الحدیثی قابل استخراج از این احادیث را یکجا جمع‌آوری نمودم، ولیکن نتوانستم از بعضی احادیث، قاعده‌ای به دست آورم؛ بنابراین در پایان مقاله، این دسته از احادیث را در یک فصل قرار دادم. همچنین متأسفانه نتوانستم آن طور که بایسته است به بررسی اسناد احادیث اقدام نمایم؛ لذا وجود این نقص را در کنار سایر نواقص احتمالی می‌پذیرم. ضمناً، از تمام تلاش‌ها و صبوری‌های بی‌شایبه‌ی استاد گرامی، جناب آقای روحانی، سپاسگزارم.

باب اول

متن احادیث و قواعدی که از آنها استنباط شده است

۱. حدثنا محمد بن خلف، ثنا موسى [بن إبراهيم]، ثنا موسى بن جعفر، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): من حدث عني بحديث و هو يعلم أنه كذب فهو [أحد الكاذبين]».
- مسند الإمام موسى بن جعفر (عليه السلام)، ص ۲۲ و ۲۳، ح ۳.
۲. روی ابن ماجه هذا الحديث نصا بما لفظه: «حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة، ثنا علي بن هاشم، عن ابن أبي ليلى، عن الحكم، عن عبدالرحمن بن أبي ليلى، عن علي، عن النبي (صلى الله عليه و آله) قال: من حدث عني حديثاً و هو يرى أنه كذب فهو أحد الكاذبين».
- همان، ص ۳۰، بخش تعلیقات، ح ۳.

قاعده: روایانی که روایات معلل (دروغ) را با علم به بیماری و عدم

صحت آن‌ها نقل کنند، تضعیف می‌شوند، و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد و ناصحیح است، مگر خلاف آن (عدم وجود علت) ثابت شود.

و به [سند حدیث ۲۰: حدثنا محمد بن خلف، نا موسی بن ابراهیم، نا موسی بن جعفر، [عن جعفر بن محمد، عن أبیه،] عن جدّه]

۳. قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «شاوروا النساء و خالفوهن فإنّ في خلافهن بركة و ليس للمخنث عقل و لا لحايك عقل.»

مسند الإمام موسی بن جعفر (علیه السلام)، ص ۲۵، ح ۲۶.

عقد الحر العاملی باباً فی کراهة مشاوره النساء، إلا بعقد المخالفة و استحباب مشاوره الرجال فی وسائل الشیعة (ج ۸ - ص ۴۲۹) و فيه نص الحدیث بان النساء لاستشار، و كذلك للعلامة المجلسی فی [بحار الأنوار: ۹۷/۷۵].^۲

همان، ص ۳۴، بخش تعلیقات، ح ۲۶.

قاعده: روایاتی که در میان روایتان زن یا مردی سست‌اراده و ناجوان‌مرد وجود دارد، ناصحیح و غیر قابل اعتمادند و این گروه از روایان تضعیف می‌شوند.

۴. و به سند حدیث قبلی قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):

«إنه سیأتی [أناس] یجادلونکم بالقرآن فخذوهم بالسنن، فإن أصحاب

۲. البته درباره‌ی مشورت با زنان و روایات مربوط به این باب نظراتی وجود دارد که در تفصیل آن‌ها رساله‌هایی بسیار نگاشته شده، و این‌گونه روایات معمول به زمانی است که زنان از عقل و تجربه‌ی کافی بی‌بهره باشند، که در این صورت مشورت با آن‌ها غیر مفید بوده و تبعیت از رأی آن‌ها زیانبار است، ولی چنانچه آنان از عقل و تجربه بهره‌مند باشند، مشورت با ایشان مفید و در بسیاری موارد ضروری و لازم است. (روحانی)

السنن [أعرف] بكتاب الله.»

مسند الإمام موسى بن جعفر (عليه السلام)، ص ۲۶، ح ۳۲.
 روى الدارمى هذا الحديث نصاً عن عمر بن الخطاب قائلاً: «أخبرنا
 عبدالله بن الصالح، حدثنى الليث، حدثنى يزيد، هو ابن أبى حبيب، عن
 عمرو بن الأشجع أن عمر بن الخطاب قال:
 إنه سيأتى ناس يجادلونكم بشبهات القرآن، فخذوه بالسنن، فإن
 أصحاب السنن أعلم بكتاب الله.» سنن الدارمى، ج ۱، ص ۴۹؛ همان، ص
 ۳۵، بخش تعلیقات، ح ۳۲.
قاعده‌ی اول: در صورت مواجهه با آیات مشابه قرآن، به سنت توجه
 کنید.

قاعده‌ی دوم: روایات صحابه - به دلیل شناخت کتاب خدا - قابل
 قبول می‌باشند.
 ۵. و به سند حدیث قبلی قال:

«أتى على (عليه السلام) برجل قد [سب] الله، فقال على: فاقتلوه، و من
 سب انبياء الله [فاقتلوه ظ]»

مسند الإمام موسى بن جعفر (عليه السلام)، ص ۲۶، ح ۳۸.
 روى الطبرسى بإسناده إلى الإمام الرضا (عليه السلام) قال: قال
 رسول الله (صلى الله عليه و آله):

«من سب نبياً قتل، و من سب صاحب النبى جلد.» (صحيفة الرضا ۴)
 همان، ص ۳۵، بخش تعلیقات، ح ۳۸.

قاعده‌ی اول: روایانی که از آن‌ها سب خداوند و رسول خدا (صلی

الله علیه و آله) و انبیاء (علیهم السلام) دیده و شنیده شده است، تضعیف می‌شوند و احادیث آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

قاعده‌ی دوم: روایانی که از آن‌ها سبّ صحابه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دیده و شنیده شده است، تضعیف می‌شوند و احادیث آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

قاعده‌ی سوم: روایات صحابه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) قابل قبول می‌باشند.

۶. و به سند حدیث قبلی قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

من قال: إني عالم، فهو جاهل.

مسند الإمام موسی بن جعفر (علیه السلام)، ص ۲۷، ح ۴۸.

قاعده: روایان مغرور و متکبر تضعیف شده و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد و ناصحیح محسوب می‌شوند.^۳

۷. الكلینی، عن أبي عبدالله الأشعري، عن بعض أصحابنا، رفعه عن هشام بن الحكم، قال: قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام): يا هشام، إن الله تبارك و تعالی بشرُّ أهل العقل و الفهم فی كتابه فقال: «فبشرِّ عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هداهم الله و أولئك هم أولوا الأبواب...»

قاعده‌ی اول: هر سخنی را که می‌شنوید، نپذیرید و شنیده‌های خود را گزینش کنید.

۳. غرور و تکبر نشانه‌ی جهالت و نادانی است، ولی این‌که روایتِ راوی مغرور و متکبر پذیرفته نشده و اشخاص به این دلیل تضعیف شوند، از این روایت استفاده نمی‌شود. (روحانی)

قاعده‌ی دوم: افرادی که در پذیرش اقوال و روایات بی‌توجه و لابلالی هستند، تضعیف شده و روایات آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

«... یا هشام، إن لله على الناس حجتين: حجة ظاهرة و حجة باطنة، فأما الظاهرة فالرسل و الأنبياء و الأئمة (عليهم السلام) و أما الباطنة فالعقول.

یا هشام، إن العاقل، الذي لا يشغل الحلال شكره، و لا يغلب الحرام صبره. یا هشام، من سلط ثلاثاً على ثلاث فكأنما أعان على هدم عقله: من أظلم نور تفكره بطول أملة، و محا طرائف حكمته بفضول كلامه، و أطفأ نور عبرته بشهوات نفسه، فكأنما أعان هواه على هدم عقله، و من هدم عقله، أفسد عليه دينه و دنياه...»

قاعده‌ی سوم: راویان هوس‌باز، زیاده‌گو و با آرزوهای بیجا و طولانی به سبب عدم عقلانیت - تضعیف می‌شوند و روایات آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است، مگر خلاف آن ثابت شود.

«... یا هشام، إن العقلاء تركوا فضول الدنيا، فكيف الذنوب؛ و ترك الدنيا من الفضل، و ترك الذنوب من الفرض...»

قاعده‌ی چهارم: راویان دنیا‌دوست و دنیا‌پرست و راویانی که مرتکب گناهان و خطاهای زیاد می‌شوند، تضعیف شده و روایات آن‌ها به سبب عدم عقلانیت - ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

یا هشام، إن العقلاء زهدوا في الدنيا و رغبوا في الآخرة، لأنهم علموا أن الدنيا طالبة مطلوبة و الآخرة طالبة و مطلوبة، فمن طلب الآخرة طلبته الدنيا حتى يستوفى منها رزقه، و من طلب الدنيا طلبته الآخرة فيأتيه

الموت، فيفسد عليه دنياه و آخرته.

قاعده‌ی پنجم: راویان دنیا دوست و دنیا پرست - به سبب عدم عقلانیت تضعیف شده و روایات آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

«...یا هشام، إن العاقل لا يكذب و إن كان فيه هواه...»

قاعده‌ی ششم: راویان دروغگو - به سبب عدم عقلانیت - تضعیف شده و روایات آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

۸ «...تمام المروة، و ارشاد المستشير، قضاء لحق النعمة، و كفاؤ

الأذى من كمال العقل و فيه راحة البدن عاجلاً و آجلاً.

یا هشام، إن العاقل لا يحدث من يخاف تكذيبه، و لا يسأل من يخاف منه و لا يقدر عليه، و لا يرجوا ما يعنف برجائه، و لا يقدم على ما يخاف فوته بالعجز عنه.^۴

قاعده: راویان دروغگو - به سبب عدم عقلانیت - تضعیف شده و روایات آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتمادند.

۹. الكليني، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن إسماعيل بن مهران، عن سيف بن عميرة، عن أبي المغرا، عن سماعة، عن أبي الحسن موسى (عليه السلام)، قال: قلت له: أكلُ شيء في كتاب الله و سنة نبيه (صلى الله عليه و آله)؟ أو تقولون فيه؟ قال: بل، كلُّ شيء في كتاب الله و سنة نبيه (صلى الله عليه و آله).

۴. در جلد اول کتاب «مسند الإمام کاظم (علیه السلام)»، صفحات ۲۴۰ - ۲۲۶ (کتاب العقل و فضائله) تحت عنوان «وصيته (عليه السلام) لهشام و صفته للعقل» مطالب این باب با اندکی تفاوت مطرح شده است که به دلیل تفاوت‌های بسیار جزئی از طرح مجدد آن خودداری کردم.

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۳.

قاعده: روایاتی که با کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مخالف باشند، ناصحیح و غیر قابل اعتمادند و راویان این گونه روایات، تضعیف می شوند.

۱۰. روی الكلینی، عن علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن یونس بن عبدالرحمن، عن سماعة بن مهران، عن أبی الحسن موسی (علیه السلام)، قال: «قلت: أصلحك الله، إنا نجتمع فتذاكر ما عندنا فلا يرد علينا الشيء الصغير ليس عندنا فيه شيء فينظر بعضنا إلى بعض، و عندنا ما يشبهه، فنقيس على أحسنه؟ فقال: و ما لكم و للقياس؟ إنما هلك من هلك من قبلكم بالقياس.

ثم قال: إذا جاءكم ما تعلمون، فقولوا به و إن جاءكم ما لا تعلمون فها و أهورى بيده الى فيه ثم قال: لعن الله أباحنيفة، كان يقول: قال على و قلت أنا، و قالت الصحابة و قلت؛ ثم قال: أكنت تجلس إليه؟ فقلت: لا، و لكن هذا كلامه؛ فقلت أصلحك الله، أتى رسول الله (صلی الله علیه و آله) الناس بما يكتفون به فى عهده؟ قال: نعم و ما يحتاجون إليه الى يوم القيامة؛ فقلت: فضاع من ذلك شيء؟ فقال: لا، هو عند أهله.»^۹

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۲.

قاعدهی اول: روایاتی که مخالف سنت نبوی هستند، ضعیف و غیر قابل اعتمادند و راویان آنها تضعیف می شوند.

قاعدهی دوم: روایاتی که اهلیت علمی یا اخلاقی ندارند، تضعیف

شده و روایات آن‌ها فاقد اعتبار بوده و ضعیف محسوب می‌شود و غیر قابل اعتماد است.

قاعده‌ی سوم: برای یافتن احکام و دستورات دینی، مقایسه و قیاس جایز نیست.

۱۱. البرقی، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن حكيم، قال: «قلت لأبي الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام): جعلت فداك، فقهننا في الدين وأغنانا الله بكم عن الناس حتى أن الجماعة منا لتكون في المجلس ما يسأل رجل صاحبه يحضره المسألة و يحضره جوابها متاً من الله علينا بكم، فربما ورد علينا الشيء لم يأتنا فيه عنك و لا عن آبائك شيء فننظر إلى أحسن ما يحضرنا و أوفق الأشياء لما جائنا عنكم فنأخذ به؟»

فقال: هيهات هيهاتفي ذلك! و الله هلك من هلك يا ابن حكيم، ثم قال: لعن الله أباحنيفة، يقول: قال و قلت؛ و قال محمد بن حكيم لهشام بن الحكم: و الله ما أردت إلا أن يرخض لي في القياس.^۶

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۴.

قاعده: برای یافتن احکام و دستورات دین، نمی‌توان به مقایسه اکتفا کرد و نباید قیاس کرد.

۱۲. روى الكليني، عن محمد بن أبي عبدالله، رفعه عن يونس بن عبدالرحمن، قال: قلت لأبي الحسن الأول (عليه السلام): بما أوحد الله؟ فقال: يا يونس، لا تكونن مبتدعاً، من نظر برأيه هلك، و من ترك أهل بيته

نبیه (صلی الله علیه و آله) ضلّ، و من ترک کتاب الله و قول نبیّه کفر.^۷

مسند الإمام الكاظم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۵.

قاعده‌ی اول: راویان اهل اهواء، اهل رأی، مبتدع و اهل ظن و گمان،

تضعیف شده و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد است.

قاعده‌ی دوم: کسانی که مخالف کتاب خدا و پیامبر اسلام (صلی الله

علیه و آله) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) عمل می‌کنند، تضعیف شده

و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد است.

۱۳. أحمد بن محمد، عن إسماعیل بن مهران، عن سیف بن عمیرة، عن

أبی‌المغفرا، عن سماعة، قال: قلت لأبی‌الحسن (علیه السلام): إن عندنا من

قد أدرك أبابک و جدک، و إن الرجل منّا یشئ بالشیء لایکون عندنا فیه

شیء فقیس؟ فقال: إنما هلک من کان قبلکم حین قاسوا.^۸

مسند الإمام الكاظم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶.

قاعده: برای یافتن احکام و قوانین دینی نباید به قیاس پرداخت.

۱۴. عنه، عن أبیه، عن النضر بن سويد، عن درست بن أبی منصور، عن

محمد بن حکیم، قال: قلت لأبی‌الحسن (علیه السلام): إنا نتلاقى فیما بیننا

فلا یکاد یرد علینا شیء إلا و عندنا فیه شیء و ذلک شیء أنعم الله به علینا

بکم، و قد یرد علینا الشئ و لیس عندنا فیه شیء و عندنا ما یشبه فقیس

علی أحسنه؟ فقال: لا، و ما لکم و للقیاس، ثم قال: لعن الله أبافلان، کان

یقول: قال علی و قلت، و قالت الصحابة و قلت.

۷. کافی، ج ۱، ص ۵۶.

۸. المحاسن، ص ۲۱۲.

ثم قال: كنت تجلس إليه؟ قلت: لا ولكن هذا قوله، فقال أبو الحسن (عليه السلام): إذا جاءكم ما تعلمون فقولوا، وإذا جاءكم ما لا تعلمون فيها (و وضع يده على فمه) فقلت: و لم ذاك؟ قال: لأن رسول الله (صلى الله عليه و آله) أتى الناس بما اكتفوا به على عهده و ما يحتاجون إليه من بعده إلى يوم القيامة.^۹

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۶ و ۲۴۵، ح ۷.

قاعدهی اول: روایاتی که مخالف سنت نبوی است، ضعیف و غیر قابل اعتماد است و راویان آن‌ها تضعیف می‌شود.

قاعدهی دوم: برای یافتن احکام و دستورات دینی، مقایسه و قیاس جایز نیست.

۱۵. عنه، عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر، قال: قال رجل من أصحابنا لأبي الحسن (عليه السلام): نقيس على الأثر؛ نسمع الرواية فنقيس عليها، فأبى ذلك و قال: قد رجع الأمر إذا إليهم فليس معهم لأحد أمر.^{۱۰}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۸.

قاعده: در باب احکام و دستورات دینی، مقایسه جایز نیست.

۱۶. الصفار حدثنا محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن

أبي عمير، عن محمد بن حكيم، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: إنما هلك من كان قبلكم بالقياس و إن الله تبارك و تعالى لم يقبض نيته حتى أكمله جميع دينه في حلاله و حرامه فجاءكم بما تحتاجون إليه في حياته

۹. المعاصن، ص ۲۱۳.

۱۰. المعاصن، ص ۲۱۳.

و تستغیثون به و بأهل بیته بعد موته و أنها صحیفة عند اهل بیته حتی أن فیه
 أرش ألدش، ثم قال: إن أباحنیفة ممن یقول: قال علی (علیه السلام) و
 قلت أنا.^{۱۱}

مسند الإمام الكاظم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹.

قاعدهی اول: روایاتی که مخالف سنت نبوی و اهل بیت ایشان (علیهم
 السلام) باشند، تضعیف شده و غیر قابل اعتماد محسوب می‌شوند و
 راویان آنها تضعیف می‌شوند.

قاعدهی دوم: در باب احکام و دستورات دینی، مقایسه و قیاس جایز
 نیست.^{۱۲}

۱۷. عنه قال: حدثنا أحمد بن محمد، عن البرقی، عن إسماعیل بن
 مهران، عن سیف بن عمیرة، عن أبی المغراء، عن سماعة، عن أبی الحسن
 (علیه السلام) قال: قلت له کل شیء تقول به فی کتاب الله و سنته او
 تقولون فیه برأیکم، قال: بل کل شیء نقوله فی کتاب الله و سنة نبیه.^{۱۳}

مسند الإمام الكاظم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۰.

قاعدهی اول: روایاتی که مخالف کتاب خدا و سنت نبوی باشند،
 ضعیف و غیر قابل اعتمادند و راویان آنها تضعیف می‌شوند.

۱۱. بصائر الدرجات، ص ۱۵۰.

۱۲. جهت اطلاع بیشتر، متذکر می‌شود که از نظر شیعه، دو نوع مقایسه و قیاس وجود دارد:
 اول) قیاس و مقایسه‌ی معتبر که از قبیل تطبیق قاعده به مصداق می‌باشد و جایز است. دوم)
 قیاس و مقایسه‌ی باطل که در ساختن موضوع کاربرد دارد و از نظر بیشتر علمای شیعه جایز
 نمی‌باشد. [روحانی]

۱۳. البصائر، ص ۳۰۱.

قاعده‌ی دوم: در باب احکام و دستورات دینی، مقایسه جایز نیست.

۱۸. عنه قال: حدثنا أحمد بن الحسن بن علی بن فضال، عن أبيه، عن أبي المغرا، عن سماعة، عن العبد الصالح (عليه السلام) قال: سألته فقلت: إن أناساً من أصحابنا قد لقوا أباك و جدك و سمعوا منهما الحديث، فریما كان الشیء یتلى به بعض أصحابنا و لیس عندهم فی ذلك شیء یفتیه و عندهم ما یشبهه یسمعهم أن یأخذوا بالقیاس، فقال: إنه لیس بشیء إلّا و قد جاء فی الكتاب و السنة.^{۱۴}

مسند الإمام الکاظم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۱.

قاعده‌ی اول: روایاتی که مخالف کتاب خدا و سنت نبوی باشند،

ضعیف و غیر قابل اعتمادند و راویان آنها تضعیف می‌شوند.

قاعده‌ی دوم: در باب احکام و دستورات دینی، مقایسه جایز نیست.

۱۹. عنه قال: حدثنا السندي بن محمد، عن صفوان بن يحيى، عن محمد بن حكيم، عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: قلت له: تفقهنا في الدين و روينا و ربما ورد علينا رجل قد ابتلى بشیء صغیر الذی ما عندنا فيه بعینه شیء و عندنا ما هو یشبهه مثله، أفنفته بما یشبهه؟ قال: لا و ما لكم و القیاس فی ذلك، هلک من هلک بالقیاس. قال: قلت: جعلت فداک، أتى رسول الله (صلى الله عليه و آله) بما یکتفون به، قال: أتى رسول الله (صلى الله عليه و آله) بما استفتوا به فی عهده و بما یکتفون به من بعده إلى يوم القيامة، قال: قلت: ضاع منه شیء؟ قال: لا، هو عند أهله.^{۱۵}

۱۴. البصائر، ص ۳۰۲.

۱۵. البصائر، ص ۳۰۲؛ و الإختصاص، ص ۲۸۲.

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱۲.

قاعده‌ی اول: روایاتی که مخاف کتاب خدا و سنت نبوی باشند، ضعیف و غیر قابل اعتمادند و راویان آنها تضعیف می‌شوند.
قاعده‌ی دوم: روایانی که اهلیت علمی یا اخلاقی ندارند، تضعیف شده و روایات آنها غیر قابل اعتماد و ضعیف محسوب می‌شوند، مگر خلاف آن با دلایلی ثابت شود.

قاعده‌ی سوم: در باب احکام و دستورات دینی، مقایسه جایز نیست.
 ۲۰. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): أربع يلزم من كل ذي حجبي و عقل من أمتي. قيل: يا رسول الله ما هن؟ قال: استماع العلم و حفظه و نشره عند أهله و العمل به.^{۱۶}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۵.

قاعده‌ی اول: روایانی که اشتباهات و خطاهای آنها به سبب عدم دقت و توجه کافی در شنیدن حدیث یا حفظ یا انتشار آن، زیاد (بیش از حد معمولی) است، قابل اعتماد نیستند و باید در روایات آنها دقت نظر بیشتری شود.

قاعده‌ی دوم: روایانی که اهلیت علمی یا اخلاقی ندارند، تضعیف شده و روایات آنها غیر قابل اعتماد محسوب می‌شوند.

۲۱. روی العیاشی بسنده عن الحسن بن الجهم، عن عبد الصالح (عليه السلام) قال: إذا جاءك الحدیثان المختلفان، فقسهما علی کتاب الله و علی

أحاديثنا، فإن أشبههما فهو حق وإن لم يشبههم، فهو باطل.^{۱۷}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۱.

قاعده: روایاتی که مخالف قرآن و احادیث معتبر ائمه باشند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است و راویان این گونه احادیث، تضعیف می‌شوند.

قال الصدوق: حدثنا أبي (رحمه الله)، قال: حدثنا محمد بن يحيى، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمد الكوفي، عن عبدالله الدهقان، عن درست، عن إبراهيم بن عبدالحميد، عن أبي إبراهيم (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ألا، هل عسى رجل يكذبني و هو على حشاياه متكئ؟ قالوا: يا رسول الله و من الذي يكذبك؟ قال: الذي يبلغه الحديث فيقول: ما قال هذا رسول الله قط؛ فما جاءكم عنى من حديث موافق للحق فأنا قلته، و ما أتاكم عنى من حديث لا يوافق الحق فلم أقله و لن أقول إلا الحق.^{۱۸}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳، ح ۲.

قاعده: احادیثی که مخالف حق باشند، ناصحیح و غیر قابل اعتمادند و راویان این گونه احادیث تضعیف می‌شوند.

۲۲. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): أتقوا تكذيب الله. قيل: يا رسول الله، و كيف ذاك؟ قال: يقول أحدكم: قال الله، فيقول الله كذبت، لم أقله، أو يقول: لم يقل الله، فيقول الله عزّ وجلّ: كذبت، قد قلته.^{۱۹}

۱۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹.

۱۸. معانی الأخبار، ص ۳۹۰.

۱۹. معانی الأخبار، ص ۳۹۰.

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.
قاعده: دروغ پردازان و دروغ‌گویان تضعیف می‌شوند و روایات آن‌ها
 غیر قابل اعتماد محسوب می‌شود.

باب دوم

روایات فاقد قواعد مستخرجه^{۲۰}

۱. و به سند حدیث ۲۰ حدثنا محمد بن خلف، نا موسی بن ابراهیم، نا
 موسی بن جعفر، [عن جعفر بن محمد، عن ابيه،] عن جدّه: قال: قال
 رسول الله (صلى الله عليه و آله):
 «ما علما علم والد ولده، أفضل من أدب حسن.»
 مسند الإمام موسى بن جعفر (عليهما السلام)، ص ۲۷، ح ۴۵.
 روى الشيخ الكليني، عن على بن ابراهيم القمي، عن هارون بن مسلم، عن
 مسعدة بن صدقة، عن أبي عبدالله (عليه السلام):
 «إن خير ما ورث الآباء لأبنائهم الأدب لا المال، فإن المال يذهب و الأدب
 يبقى. قال مسعدة: يعنى بالأدب: العلم.» الكافي، ج ۸ ص ۱۵۰
 همان، ص ۳۶، بخش تعلیقات، خ ۴۵.

۲۰. در این باب، روایاتی از امام کاظم (عليه السلام) وارد شده است که نویسنده احتمال
 می‌دهد بتوان قواعدی را در «علوم حدیث» از آن‌ها بدست آورد ولی خود نتوانسته قوانین
 شفافی از آن‌ها استنباط کند؛ باشد که خوانندگان گرامی تأمل کنند و نظرات خود را منظور دارند
 تا تلاش و سعی مشکور نویسنده با هم‌فکری و هم‌پویی آنان کمال یابد و به مطلوب غایی خود
 نزدیک‌تر شود. به امید روزی که افکار علم‌الحدیثی ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام) به طور جامع
 و کامل استخراج، و در عمل مورد تبعیت واقع شود. [روحانی]

۲. روى الكليني، عن على بن محمد، عن سهل بن زياد، عن إبراهيم بن محمد الهمداني، عن محمد بن عبيدة، قال: قال لى أبو الحسن (عليه السلام): يا محمد، أنتم أشدّ تقليداً أم المرجعة؟ قال: قلت قلّدنا و قلّدوا، فقال: لم أسألك عن هذا، فلم يكن عندي جواب أكثر من الجواب الأول، فقال أبو الحسن (عليه السلام): إن المرجعة نصبت رجلاً لم تفرض طاعته و قلّدوه و أنتم نصبتم رجلاً و فرضتم طاعته ثم لم تقلّدوه فهم أشدّ منكم تقليداً.^{۲۱}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن محمد بن عيسى، عن جعفر بن محمد، بن أبي الصباح، عن إبراهيم بن أبي سماك، عن موسى بن بكر، قال: قال أبو الحسن (عليه السلام): من أفتى الناس بغير علم، لعنته ملائكة الأرض و ملائكة السماء.^{۲۲}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱.

۴. قال: عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى قال: سألت أبا الحسن موسى (عليه السلام) عن القياس، فقال: ما لكم و القياس، إن الله لا يسأل كيف أحلّ و كيف حرّم.^{۲۳}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۴۵، ح ۳.

۵. الكليني، عن محمد بن الحسن و على بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن عيسى، عن عبيدالله بن عبدالله الدهقان، عن درست

۲۱. الكافي، ج ۱، ص ۵۳.

۲۲. المحاسن، ص ۲۰۵؛ البحار، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲۳. الكافي، ج ۱، ص ۵۷.

الواسطي، عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن أبي الحسن موسى (عليه السلام)، قال: دخل رسول الله (صلى الله عليه وآله) المسجد، فإذا جماعة قد أطافوا برجل، فقال: ما هذا؟ فقيل: علامة، فقال: وما العلامة؟ فقالوا له: أعلم الناس بأنساب العرب ووقائعها وأيام الجاهلية والأشعار العربية، قال: فقال النبي (صلى الله عليه وآله): ذاك علم لا يضر من جهله، ولا ينفع من علمه؛ ثم قال النبي (صلى الله عليه وآله): إن العلم ثلاثة: آية محكمة، أو فريضة عادلة، أو سنة قائمة، و ما خلاهن فهو فضل.^{٢٤}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤١، ح ١.

٦. روى الشيخ المفيد بإسناده عن موسى بن جعفر (عليهم السلام)، قال: محادثة العالم على المزبلة خير من محادثة الجاهل على الزرابي.^{٢٥}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤٧، ح ٢.

٧. قال الأربلي: قال ابن حمدون في تذكرته: قال موسى بن جعفر (عليهما السلام): وجدت علم الناس في أربع: أولها أن تعرف ربك، و الثانية أن تعرف ما صنع بك، و الثالثة أن تعرف ما أراد منك، و الرابعة أن تعرف ما يخرجك من دينك؛ معنى هذه الأربع: الأولى وجوب معرفة الله تعالى التي هي اللطف؛

الثانية معرفة ما صنع بك من النعم التي يتعين عليك لأجلها الشكر و العبادة؛ الثالثة أن تعرف ما أراد منك فيما أوجه عليك و نذرك إلى

- فعله لتفعله على الحد الذى أراه منك فتستحق بذلك الثواب؛ الرابع
أن تعرف الشيء الذى يخرجك عن طاعة الله فتجتنبه.^{۲۶}
- مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۳.
۸. روى المجلسى عن نوادى الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر، عن
آبائه (عليهم السلام) عن النبى (صلى الله عليه وآله) قال: لا خير فى
الغيث إلا لمستمع واع او عالم ناطق.^{۲۷}
- مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۴.
۹. عنه، عن نوادى الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر، عن آبائه
(عليهم السلام)، عن النبى (صلى الله عليه وآله): سائلو العلماء، و
خالطوا الحكماء، و جالسوا الفقراء.^{۲۸}
- مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۶.
۱۰. عنه، عن نوادى الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر، عن آبائه
(عليهم السلام)، عن النبى (صلى الله عليه وآله): النظر فى وجه العالم
حباً له عبادة.^{۲۹}
- مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۷.
۱۱. عنه، عن الدرّة الباهرة عن الكاظم (عليه السلام) قال: من تكلف ما
ليس من علمه، ضيع عمله و خاب أمّله.^{۳۰}

۲۶. كشف النعمة، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲۷. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲۸. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲۹. البحار، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳۰. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸.

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤٨ و ٢٤٩، ح ٨.

١٢. عنه، عن نوادر الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر، عن آبائه (عليهم السلام)، عن النبي (صلى الله عليه وآله): إن من البيان لسحراً و من العلم جهلاً و من الشعر حكماً و من القول عدلاً.^{٣١}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤٩، ح ٩.

١٣. عنه عن أعلام الدين، قال موسى بن جعفر (عليهم السلام): أولى العلم بك ما لا يصلح لك العمل إلا به و أوجب العمل عليك ما أنت مسؤول عن العمل به و ألزم العلم لك ما ذلك على صلاح قلبك و أظهر لك فساد و أحمد العلم عاقبة ما زاد فى علمك العاجل، فلا تشتغلن بعلم ما لا يضررك جهله و لاتغفلن من علم ما يزيد فى جهلك تركه.^{٣٢}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤٩، ح ١٠.

١٤. روى العلامة المجلسى (رحمه الله) عن نوادر الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر (عليهم السلام)، عن آبائه، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من تعلم فى شبابه كان بمنزلة الرسم فى الحجر و من تعلم و هو كبير بمنزلة الكتاب على وجه الماء.^{٣٣}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٤٩، ح ١١.

عنه، عن الراوندى، بإسناده قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): من أحب الدنيا ذهب خوف الآخرة من قلبه، و ما أتى الله عبداً علماً فإزداد

٣١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٨.

٣٢. البحار، ج ٧٥، ص ٣٣٦.

٣٣. البحار، ج ١، ص ٢٢٢.

للدنيا حبا إلاً ازداد من الله تعالى بعداً أو ازداد الله عليه غضباً.^{۳۴}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۵.

۱۵. الكليني، عن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبدالرحمن، عن بعض أصحابه، قال: سئل أبو الحسن (عليه السلام):

هل يسع الناس ترك المسألة عما يحتاجون إليه؟ فقال: لا.^{۳۵}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۹ و ۲۵۰، ح ۱.

۱۶. قال الصدوق رضوان الله عليه: حدثني أبي أحمد بن محمد، عن أبيه،

عن أحمد بن محمد بن علي بن إسماعيل، عن عبيد الله، قال: حدثني

موسى بن إبراهيم المروزي، عن أبي الحسن الأول (عليه السلام) قال:

قال النبي (صلى الله عليه وآله): من حفظ من أمي أربعين حديثاً مما

يحتاجون إليه من أمر دينهم، بعثه الله عزّ وجلّ يوم القيامة فقيهاً

عالمًا.^{۳۶}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱.

۱۷. قال الصدوق: حدثنا أبي - رحمه الله - قال: حدثنا سعد بن عبدالله،

قال: حدثنا محمد بن عيسى بن عبيد، عن عبيد الله بن عبدالله الدهقان،

عن درست بن أبي منصور الواسطي، عن إبراهيم عبدالحميد، عن

أبي الحسن (عليه السلام) قال: دخل رسول الله (صلى الله عليه وآله)

المسجد فإذا جماعة قد أطاقوا برجل، فقال: ما هذا؟ فقالوا: علامة يا

رسول الله. فقال: و ما العلامة؟ قالوا: أعلم الناس بأنساب العرب و

۳۴. البحار، ج ۲، ص ۳۶.

۳۵. الكافي، ج ۱، ص ۳۰؛ المحاسن، ص ۲۲۵.

۳۶. ثواب الاعمال، ص ۱۶۲؛ خصال، ص ۵۴۱؛ اختصاص، ص ۶۱.

وقائعهم و أيام الجاهلية و بالأشعار؛ فقال (صلى الله عليه و آله): ذاك علم لا يضر من جهله و لا ينفع من علمه.^{٣٧}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٥٠ و ٢٥١، ح ١.

١٨. روى المجلسي، عن عوالى اللثالى، عن الكاظم (عليه السلام) مثله و زاد فى آخره: ثم قال عليه السلام: إنما العلم ثلاثة: آية محكمة، أو فريضة عادلة، أو سنة قائمة، و ما خلاهن فهو فضل.^{٣٨}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٥١، ح ٢.

١٩. أبو منصور أحمد بن على بن أبى طالب الطبرسى، بإسناده، قال: قال موسى بن جعفر (عليهم السلام): فقيه واحد ينقذ يتيماً من أيتامنا المنقطعين عنا و عن مشاهدتنا بتعليم ما هو محتاج إليه أشد على إبليس من ألف عابد، لأن العابد همته ذات نفسه فقط و هذا همه مع ذات نفسه ذوات عباد الله و إيمانه لينقذهم من يد إبليس و مردته، فلذلك هو أفضل عند الله من ألف عابد و ألف ألف عابدة.^{٣٩}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٥١، ح ١.

٢٠. روى المجلسي عن نوادر الراوندى بإسناده عن الكاظم (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): لا سهر إلا فى ثلاث: متهدج بالقرآن، أوفى طلب العلم، أو عروس تهدي الى زوجها.^{٤٠}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ١، ص ٢٥١، ح ٢.

٣٧. معانى الأخبار، ص ١٤١.

٣٨. بحار الانوار، ج ١، ص ٢١١.

٣٩. الاحتجاج، ج ١، ص ٨.

٤٠. بحار الانوار، ج ١، ص ٢٢٢.

۲۱. روى العلامة المجلسى عن نوادر الراوندى بإسناده عن موسى بن جعفر، عن آبائه (عليهم السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): الفقهاء أمناء الرسل ما لم يدخلوا فى الدنيا، قيل: يا رسول الله ما دخلوهم فى الدنيا؟ قال: اتباع السلطان، فإذا فعلوا ذلك فاحذروهم على أديانكم.^{۴۱}

مسند الإمام الكاظم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۱.

باب سوم

قواعد و قوانین تضعیف با توجه به احادیث امام موسی

بن جعفر (علیه السلام)

۱. روایاتی که روایات معلل و بیمار را با علم به بیماری و عدم صحت آنها نقل می‌کنند، تضعیف می‌شوند و اینگونه روایات آنها غیر قابل اعتماد و ناصحیح هست و سایر روایات آنها نیز باید با دقت نظر بیشتری بررسی شود. (ص ۳)
۲. روایاتی که در میان روایانشان، زن یا مردی سست اراده و ناجوان‌مرد وجود دارد، ناصحیح و غیر قابل اعتمادند و این گروه از روایان تضعیف می‌شوند. (ص ۴)
۳. در صورت مواجهه با آیات مشابه قرآن، به سنت توجه کنید. (ص ۵)
۴. روایات صحابه (به دلیل شناخت کتاب خدا) قابل قبول می‌باشند.

(ص ۶ و ۵)

۵. روایانی که از آنها سبّ خداوند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و انبیا (علیهم السلام) دیده و شنیده شده است، تضعیف می‌شوند و احادیث آنها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است. (ص ۶)
۶. روایانی که از آنها سبّ صحابه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دیده و شنیده شده است، تضعیف می‌شوند و احادیث آنها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است. (ص ۶)
۷. روایان مغرور و متکبر تضعیف شده و روایات آنها غیر قابل اعتماد و ناصحیح محسوب می‌شود. (ص ۷)
۸. هر سخنی که می‌شنوید، نپذیرید و شنیده‌های خود را گزینش کنید. (ص ۸)
۹. افرادی که در پذیرش اقوال و روایات و اخبار، بی‌توجه و لاپبالی هستند، تضعیف شده و روایات آنها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است. (ص ۸)
۱۰. روایان اهل هوی و زیاده‌گو، با آرزوهای بیجا و طولانی، - به سبب عدم عقلانیت - تضعیف می‌شوند و روایات آنها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است، مگر خلاف آن ثابت شود. (ص ۱۳)
۱۱. روایان دنیا‌دوست و دنیا‌پرست و روایانی که مرتکب گناهان و خطاهای زیاد می‌شوند - به سبب عدم عقلانیت - تضعیف شده و روایات آنها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است. (ص ۱۴)
۱۲. روایان دروغ‌گو - به سبب عدم عقلانیت - تضعیف شده و روایات

- آن‌ها ناصحیح و غیر قابل اعتماد است. (ص ۱۶ و ۱۷ و ۳۲)
۱۳. روایاتی که با کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا احادیث [معتبر] ائمه مخالف باشد، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است و راویان این گونه روایات، تضعیف می‌شوند. (ص ۱۸ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰)
۱۴. راویانی که اهلیت علمی یا اخلاقی ندارند، تضعیف شده و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد است، مگر خلاف آن ثابت شود. (ص ۱۹ و ۲۸ و ۲۹)
۱۵. در باب احکام و دستورات دینی، قیاس جایز نیست.
۱۶. راویان اهل اهواء، اهل رأی، اهل ظن و گمان و بدعت، تضعیف شده و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد است. (ص ۲۱)
۱۷. کسانی که مخالف کتاب خدا و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) عمل می‌کنند، تضعیف می‌شوند و روایات آن‌ها غیر قابل اعتماد است. (ص ۲۱)
۱۸. روایانی که اشتباهات و خطاهای آن‌ها - به سبب عدم دقت و توجه کافی در شنیدن حدیث یا حفظ یا نشر آن زیاد (بیش از حد معمول) باشد، قابل اعتماد نیستند و باید در روایات آن‌ها دقت نظر بیشتری شود. (ص ۲۹)
۱۹. احادیثی که مخالف حق باشند، ناصحیح و غیر قابل اعتمادند و راویان این گونه احادیث، تضعیف می‌شوند.

چکیده‌ی قواعد و قوانین تضعیف

از دیدگاه امام موسی کاظم (علیه السلام)

۱. روایات راویان سست‌اراده و ناجوان‌مرد، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۲. روایات راویانی که سبّ خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و انبیا (علیهم السلام) را کرده‌اند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۳. روایات راویانی که سبّ صحابه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و انبیا (علیهم السلام) را کرده‌اند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۴. روایات راویان مغرور و متکبر، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۵. روایات راویان لاپالی و بی‌توجه، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۶. روایات راویان اهل هوی و هوس، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۷. روایات راویان دروغگو، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۸. روایات راویان اهل ظن و گمان و بدعت، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۹. روایات راویانی که اهلیت ندارند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۱۰. روایات راویانی که درصد بالایی از خطا و اشتباه دارند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۱۱. روایات راویانی که مخالف کتاب خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) عمل می‌کنند، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.

۱۲. روایات مخالف حق، کتاب خدا، سنت رسول (صلی الله علیه و آله)

- و یا احادیث ائمه (علیهم السلام)، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.
۱۳. روایات راویان دنیا دوست و دنیا پرست، ناصحیح و غیر قابل اعتماد است.
۱۴. شنیده‌های خود را گزینش کنید.
۱۵. در صورت برخورد با آیات مشابه قرآن، به سنت مراجعه کنید.
۱۶. در باب احکام دینی، قیاس نکنید.
۱۷. روایات صحابه، صحیح و قابل اعتماد است.

کتاب‌نامه:

- ۱- مسند الإمام موسى بن جعفر (علیه السلام)، ابي عمران موسى بن ابراهيم المروزي، تقديم و تعليق: محمد حسين الحسيني الجلالی، چاپ بهمن.
- ۲- مسند الإمام الكاظم أبي الحسن موسى بن جعفر (علیه السلام)، جمعه و رتبه الشيخ عزيز الله العطاردی، انتشارات دارالصفوة، بيروت.



پروفیسر شہباز گل شاہین پور
پرتال جامع علوم انسانی